

یکشنبه ۱۸ شهر ذیحجه ۱۳۲۹

خیال داشتم به هیچ جا نروم، از بس که از امیریه تلفن کردند، سوار شده رفتم امیریه، (و) به حضور حضرت اقدس شرفیاب (شدیم)، بعد رفتم منزل ظل السلطنه، ملکه زمان زن ظل السلطنه (که) مدتی بود به طور قهر رفته بود، امروز مراجعت کرده آمد. امروز چون حضرت اقدس روزه بودند شب را شرفیابی حاصل نکردم.

دوشنبه ۱۹ شهر ذیحجه ۱۳۲۹

اخبار: علماء و وزراء هر روز می‌روند به تلگرافخانه، (و) به ولایات (و) نجف اشرف تلگراف می‌کنند، به اغلب ولایات هم تلگراف می‌زنند، هنوز هیچ جواب مساعدی از هیچ جا نیامده است و هیچ معلوم نیست (که) مشغول چه کاری هستند. کلا گویا به تمام پارلمان‌های دنیا تلگراف زده، از آنجاها هم هیچ جوابی نیامده است (و) معلوم نیست مشغول چه کاری هستند، و کلا مشغول مداخل خودشان هستند.

یک دسته زن به قدر صد نفر رفته بودند منزل سردار اسعد که ماها شنیده‌ایم که بختیاری‌ها اتحاد کرده‌اند که اعلیحضرت محمدعلی شاه را بیاورند، اگر همچو است ما بایست تکلیف خودمان (را) بدانیم. او هم یک جواب مهملی داده بود. باری عصری بانوی عظمی و یمین الدوله آمدند حضور حضرت اقدس، من نشد که شرفیاب بشوم شب شرفیاب شدم؛ آصف السلطنه، ظل السلطنه، نایب اول سفارت عثمانی شرفیاب بودند.

سه شنبه ۲۰ شهر ذیحجه ۱۳۲۹

اخبارات تازه: بازارها بسته، مردم متفکر (و) در حال خود حیران و سرگردان در دکانها ایستاده (و) یک دسته مردم مجهول الحال افتاده‌اند میانه مردم (و) تمام را سردر گم کرده‌اند. گفتند سردار اسعد گفته است یا سی کروور پول بدهید تا قشون روس برود یا

بروید اعلیحضرت محمدعلی شاه را بیاورید، این حرف توی مردم (به طور) مخفی شهرت دارد (و) به یکدیگر می‌گویند که دولت ایران به دولت روس اولتیماتوم داده است که اگر تا سه ساعت (دیگر) قشون روس نرود ما جنگ خواهیم کرد. یعنی به آن عده که در قزوین هستند نایست اضافه بشود والا چنین و چنان خواهیم کرد ولی گویا هیچ کدام صحت ندارد. امروز هم در مجلس منبر گذارده نطق کردند. امروز دیگر از تمام دول دنیا بد گفته بوده‌اند؛ از انگلیس، فرانسه، آلمان، و دست رد به سینه هیچ دولتی باقی نگذارده بودند، وزراء و علماء مشغول کار هستند ولی در پرده است (و) معلوم نیست که چه مقصود دارند (و) چه خواهد شد.

چهارشنبه ۲۱ شهر ذیحجه ۱۳۲۹

لرز سختی کرده بی هوش افتادم، از طرف حضرت اقدس چندین دفعه آمدند احوالپرسی.

پنجشنبه ۲۲ شهر ذیحجه ۱۳۲۹

اخبار تازه این است که: آخوند ملا کاظم خراسانی مرحوم شده است، روایتها مختلف است؛ بعضی می‌گویند از نجف اشرف بیرون آمده بوده است که بیاید رو به ایران در بین راه نرسیده به کربلا مرحوم شده است، بعضی می‌گویند (او را) کشته‌اند، باری در هر صورت مرحوم شده است.

دیگر از اخبار این است که کابینه وزراء در مجلس پریشب معلوم شده: ریاست وزراء صمصام السلطنه، قوام السلطنه وزیر داخله، وثوق الدوله وزیر خارجه، سردار محتشم که هنوز وارد طهران نشده است وزیر جنگ، ذکاء الملک وزیر عدلیه، ... ولی به یک روایت هم می‌گویند، چون سردار محتشم نبوده است، این وزراء را رسماً



آخوند ملا کاظم خراسانی

« آخوند ملا کاظم خراسانی مرحوم شده است. روایت‌ها مختلف است بعضی می‌گویند از نجف اشرف بیرون آمده بوده است که بیاید رو به طهران در بین راه نرسیده به کربلا مرحوم شده است، بعضی می‌گویند او راکشته‌اند. »

معرفی نکرده‌اند ولی مشغول کار هستند. اعلیحضرت محمدعلی شاه معروف است که در حوالی استرآباد است، پاره‌ای تلگرافات از ولایات رسیده است که آنها هم تقبل کار کرده‌اند برای خاطر روسها، قشون روس هم یک عده گویا در این دو روزه حرکت کرده یا خواهد کرد و به طهران و یک عده دیگر به جای آنها به قزوین آمده است یا این دو روزه خواهد آمد. گویا یک «پرتست» دیگر هم روسها داده‌اند به وزارت خارجه که جواب‌های ما را چرا نمی‌دهید؟ اگر نمی‌دهید قشون ما وارد خواهند شد یکی هم در مورد قاتل‌های علاءالدوله نوشته‌اند که بایست حکماً سیاست بشوند.

در مجلس رأی داده بودند کسبه دکاکین را باز کنند مگر آنها که امتعه روسی دارند، آنها هم می‌گویند (بماند) تا تکلیف برای آنها معلوم بشود.

جمعه ۲۳ شهر ذیحجه ۱۳۲۹

سرکار خاصه خانم یک کاسه فلوس درست کرده بودند صرف شد. تا عصری به جائی نرفته اخترالدوله و درة الدوله هم آمدند.

شنبه ۲۴ شهر ذیحجه ۱۳۲۹

اخبارات تازه این است که: برای آخوند ملاکاظم خراسانی در مسجد شاه (و) اغلب مسجدها ختم گذارده‌اند، امروز هم ختم مسجد شاه (را) سلطان احمد شاه خودشان رفتند جمع کردند، بازارها هم تمام به این جهت بسته است، پارسی‌ها هم ختم گذارده بودند، از فردا هم گویا خیال دارند جاهای دیگر ختم بگذارند.

یکشنبه ۲۵ شهر ذیحجه ۱۳۲۹

اخبارات تازه این است که: امروز در مسجد شیخ عبدالحسین ختم بوده

مجاهدین رفته بودند آقا سید کمال و بعضی دیگر از آقایان را از مسجد به طور تشدد کشیده (و) برده بودند در مجلس که؛ قشون روس در قزوین تعدی می‌کنند. حاصل رفتن حضرات این شده در مجلس که قرار بر این گذارده‌اند (که) فردا در مسجد شاه علماء جمع بشوند و چندین نفر وکیل معین بکنند (و) آنها بیایند در مجلس با وکلا صحبت بکنند تا ببینند چه بایست کرد. امروز هم می‌خواستند بازارها را باز بکنند ولی نگذارند که باز بشود.

از قراری که می‌گویند، آخوند ملا کاظم وقتی که به او تلگراف می‌کنند (و) تفصیل قشون روس (را) به او اطلاع می‌دهند او جواب (داده) بوده است که «امروز دیگر جنگ قرآن و صلیب است». بایست با تمام عیسوی‌ها جنگ کرد... بعد به او حالی کرده بودند که همچو نیست، بعداً او گفته بوده (است) هر چه شماها صلاح می‌دانید من بکنم، گفته بوده‌اند بیا به طهران، یک جوری اصلاح می‌کنیم، این بوده است که حرکت کرده بوده است. باقی حرف‌ها و سؤال و جواب‌ها هنوز مخفی است، این‌ها تک تک بروز کرده است. سردار ظفر (و) سردار بهادر (و) سردار محتشم هم چند روز است (که) آمده‌اند، اردوشان هم دیروز وارد شده، سالارالدوله هم دوباره به کرمانشاه وارد شده است. یک دسته از مجاهدین (هم) به استرآباد از طرف شاهرود رفته‌اند (به عجله تمام. باز نزدیکی‌های شاهرود یک جنگی با پیش قراول‌های اعلیحضرت محمدعلی شاه اتفاق افتاده (و) شکست سختی به این طرف وارد آمده است.

اخبارهای شهری: دیروز که اعلیحضرت سلطان احمد شاه رفته بودند مسجد شاه، ختم (آخوند) ملا کاظم را جمع بکنند بعد از احوالپرسی از آقایان یک خطابه از قول خودشان نوشته بودند، موق الدوله خوانده بود، مفادش این بود که:

«از فوت آخوند خیلی افسرده شده، (آخوند) در این اواخر عمر خیلی خدمت کرده برای حریت، برای ضعف اسلام که باعث خون خیلها شده. باری از رشت هم



امیر تومان علیقلی خان مظفرالدوله

فرزند امیر تومان آقاخان مظفرالدوله

مظفرالدوله از خمسه تلگراف کرده که من با سیصد نفر سوار از خودم در این موقع حاضرم برای خدمت. یک دهم را همه می فروشم و در راه ملت خدمت می کنم.

تلگراف زدند (و) از بستن بازارها (و) تعطیل عمومی اظهار تنفر کردند (و) از مجلس تکلیف خواسته‌اند. مظفرالدوله از خمسه تلگراف کرده که من با سیصد نفر سوار از خودم در این موقع حاضرم برای خدمت، یک دهم را هم می‌فروشم (و) در راه ملت خدمت می‌کنم.

دوشنبه ۲۶ شهر ذیحجه ۱۳۲۹

امروز یک دسته سینه زن دسته ترک‌ها راه افتاده بودند با کتُل و موزیک آمدند (به) مجلس شربت خوردند، برای (آخوند) ملاکاظم راه افتاده بودند. بازارها بسته است (و) امروز شاگردهای مدرسه‌ها رفته بوده‌اند پیش رئیس الوزاء برای نتیجه کار روسها، وزراء گفته بودند به ما دخلی ندارد با وکلاست، رفته بوده‌اند پیش وکلا آنها هم جواب نداده بوده‌اند، رفته بوده‌اند پیش علماء، آنها گفته بوده‌اند که وزراء و وکلا (باید) جواب بدهند، به ما هیچ دخلی ندارد.

سه شنبه ۲۷ شهر ذیحجه ۱۳۲۹

امروز هم (برای آخوند ملاکاظم در) اغلب دالانهای کاروان سراها مجلس ختم بود.

چهارشنبه ۲۸ شهر ذیحجه ۱۳۲۹

رفتم حمام، بیرون آمده، صرف نهار کرده، استراحت کردم.

پنجشنبه ۲۹ شهر ذیحجه ۱۳۲۹

رفتم امیریه حضور حضرت اقدس تا عصری در حضورشان بودم شب «پطراف» نایب قنسول روس هم آمد و رفت، باری یک ساعت از شب مرخص شده آمدم

منزل سردار اسعد بعد (رفت) دیدن سردار ظفر که چند روز است آمده. معتمدالخاقان، (و) نیرالسلطان که وکیل مازندران است، پسر مرحوم شیخ فضل‌الله، دکتر شیخ محمدخان (هم) بودند. سردار اسعد از وکلا بد می‌گفت (و) از این وضع بد می‌گفت صحبت خانه می‌کردند، بختیاری‌ها همه دارند خانه می‌خرند، خانه‌های سی هزار تومانی، چهل هزار تومانی. صمصام السلطنه رئیس الوزراء نبود؛ با وزراء امشب در خانه ناصرالملک هستند (و) مجلسی دارند، هشت نفر وزیر با ده نفر وکیل معین شده‌اند) که روزها بنشینند برای کار روسها یک قراری بدهند.

اخبارات تازه این است: متصردوله این روزها یک شکست سختی خورده است از قشون اعلیحضرت محمدعلی شاه. گویا اول هم گفته بوده‌اند (به او) بی خود خودت (و) مردم را به کشتن مده، قبول نکرده، بعد شبانه اردویش را محاصره کرده‌اند. سردار محیی را هم احضار کرده‌اند، امشب با اردو وارد می‌شود.

جمعه سلخ شهر ذیحجه ۱۳۲۹

اخبارات تازه: گفتند تبریزی‌ها، با روسها جنگ کرده‌اند، یعنی روسها می‌خواسته‌اند نظمیه را تصرف بکنند، مابین (آنها) از دیروز جنگ اتفاق افتاده. خداوند انشاءالله خودش اصلاح بکند. الهی خانه این آذربایجانی‌ها خراب بشود که هر چه به سر این مردم آمده از آذربایجانی‌ها و تبریزی‌ها بوده، اگر خدای نکرده. این مطلب راست باشد، کار بدی خواهد شد.



عناوین مهمّ روزنامه خاطرات غلامعلی خان

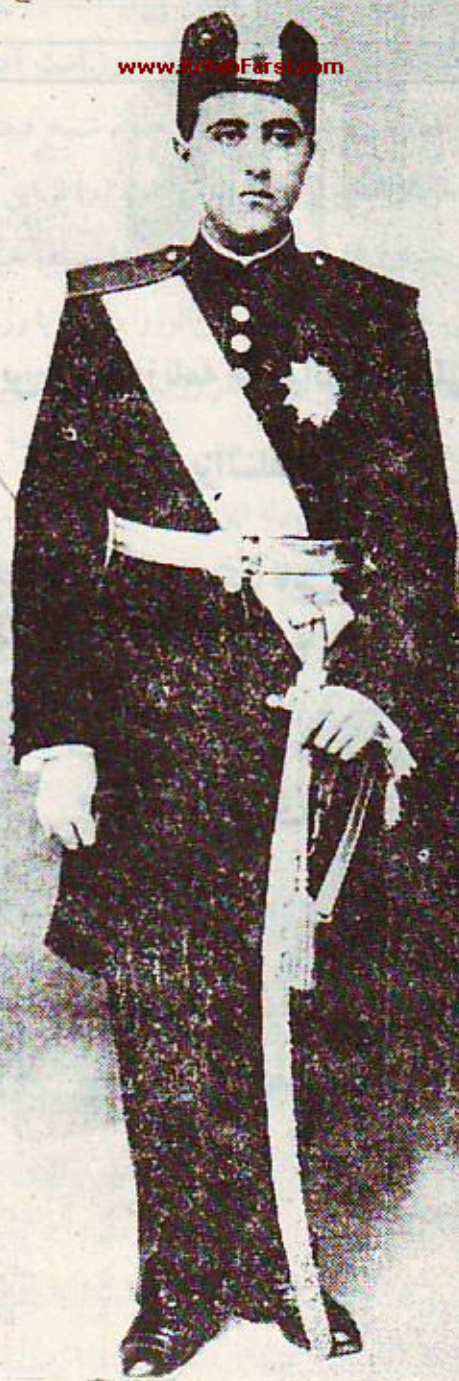
عزیز السلطان

« ملیجک ثانی »

۱۳۳۰ هجری قمری

سنه یکهزار و سیصد و سی

هجری قمری



احمد شاه فاجار

در تبریز با روس‌ها مشغول جنگ هستند.

شنبه ۱۳۳۰ محرم الحرام



دموکرات‌ها گفته‌اند که ما نه نیابت سلطنت ناصرالملک را قبول داریم و نه این وزراء را و تا جان در بدن داریم ایستادگی می‌کنیم.

شنبه ۱۳۳۰ محرم الحرام



ناصرالملک حکم صادر کرده است که در مجلس را ببندند.

یکشنبه ۲ محرم الحرام ۱۳۳۰



شهر را نظامی کردند و به دست پیرم سپردند، او هم متقبل شده است که شهر را نگاهداری بکند، از فردا مجلس منفصل است!

یکشنبه ۲ محرم الحرام ۱۳۳۰



دموکرات‌ها نطق کرده بودند که چرا باید در مجلس را ببندند، وزراء از دولت روس پول گرفته‌اند، این وزراء تمام خائن هستند.

دوشنبه ۳ محرم الحرام ۱۳۳۰



سه نفر قزاق (روس) را اهل تبریز گرفته کشته و نعششان را آتش زده‌اند.

دوشنبه ۳ محرم الحرام ۱۳۳۰



بازار وکیل را در شیراز، سوارهای هندی چاییدند.

دوشنبه ۳ محرم الحرام ۱۳۳۰

□□□

امروز در مسجد شیخ عبدالحسین دموکرات‌ها جمع بودند و به ناصرالملک و وزراء فحش می‌دادند.

چهارشنبه ۵ محرم الحرام ۱۳۳۰

□□□

دموکرات‌ها گفته بودند ما وکلا را جمع می‌کنیم در همین مسجد، هر کجا وکلا جمع بشوند آن جا مجلس است.

چهارشنبه ۵ محرم الحرام ۱۳۳۰

□□□

رئیس بانک اصفهان انگلیس می‌رفته است به کرمان، در بین راه گویا لختش کرده‌اند.

چهارشنبه ۵ محرم الحرام ۱۳۳۰

□□□

کشته شدن قنصل انگلیس.

شنبه ۸ محرم الحرام ۱۳۳۰

□□□

آقا سید اناری با لباس خز (وکیل مجلس) یک بار الاغ انار دارد، می‌فروشد و همه جا به خرج می‌دهد که من کاسبی می‌کنم.

شنبه ۸ محرم الحرام ۱۳۳۰

□□□

اهل تبریز گفته‌اند که ما مشروطه نمی‌خواهیم، سلطان می‌خواهیم و حاجی صمد خان شجاع الدوله را خواسته‌اند که بیا به ما حکومت کن.

شنبه ۸ محرم الحرام ۱۳۳۰



خوانین بختیاری خیلی متوحش هستند از معز السلطنه، سردار ارفع که شیخ خزعل باشد.

شنبه ۸ محرم الحرام ۱۳۳۰



وثوق الدوله و قوام السلطنه و حکیم الملک به قدری خودشان را گرفته‌اند پدر سوخته‌ها که مثل این است که ما را خریده‌اند.

چهارشنبه ۱۲ محرم الحرام ۱۳۳۰



قشون روس که در واقع شهر تبریز را مسخر کرده، هشت نفر را به دار زده‌اند که یکی از آنها ثقه الاسلام بوده است.

پنجشنبه ۱۳ محرم الحرام ۱۳۳۰



در تبریز برادر ستارخان را به دار زده‌اند، خود اهل شهر هم با روس‌ها همراهی می‌کنند.

دوشنبه ۱۷ محرم الحرام ۱۳۳۰



حاجی میرزا کریم آقا مجتهد را که ضد این وضع و این مشروطه بود، اهل تبریز رفتند و با سلام و صلوات آوردند.

دوشنبه ۱۷ محرم الحرام ۱۳۳۰



به قدر سی هزار تومان پول از خانه‌های ستارخان بیرون آوردند تفنگ زیادی هم از خانه باقر در آورده‌اند.

دوشنبه ۱۷ محرم الحرام ۱۳۳۰

□□□

دولت روس به وزراء «پرتست» کرده است که پنجاه نفر هستند که سر منشاء فساد و انقلاب و مقصر هستند، بایست آن‌ها را گرفته به دست آن‌ها بدهند.

سه شنبه ۱۸ محرم الحرام ۱۳۳۰

□□□

«مسیو شوستر» امروز رفت به طرف فرنگستان از راه رشت با اتومبیل!

چهارشنبه ۱۹ محرم الحرام ۱۳۳۰

□□□

ناصرالملک سه روز است که به در خانه نمی‌رود و استعفا کرده است.

شنبه ۲۲ محرم الحرام ۱۳۳۰

□□□

«پطروس» ارمنی که یکی از معتبرترین ارامنه بوده است و برای ریاست

«باندرل» به تبریز رفته بود، روس‌ها او را گرفته به دارش زدند، به جهنم!

دوشنبه ۲ صفر المظفر ۱۳۳۰

□□□

در بروجرد خیلی سخت قحطی است، اغلب مردمانش گوشت خر و

اسب مرده می‌خورند.

دوشنبه ۲ صفر المظفر ۱۳۳۰

□□□

مستوفی الممالک می رود به اصفهان برای شکار، گویا یک اشارتی هم شده است که بروند، ناصرالملک مستوفی الممالک را مودی کارش می داند.

پنجشنبه ۵ صفرالمظفر ۱۳۳۰



می گویند دولت روس برای سلطنت (محمدعلی شاه) سعی کامل دارد، انگلیس بی میل نیست، گویا مانع پارلمان انگلیس باشد.

جمعه ۶ صفرالمظفر ۱۳۳۰



شجاع الدوله در تبریز مشغول حکومت است، ترتیبات جدید را به کلی بر هم زده است، همان کدخداهای قدیم، و داروغه به وضع قدیم (دارد) و میرزاها را گفته است که قباهای راسته بپوشند و کاغذ پرشالشان بزنند.

شنبه ۷ صفرالمظفر ۱۳۳۰



روس ها هم گویا گفته اند که طهران را هم بایست خلع اسلحه بکنند.

دوشنبه ۱۶ صفرالمظفر ۱۳۳۰



نایب حسین کاشی التیماتوم داده بوده است به وزراء که اگر حکومت کاشان و نائین را به من دادید بسیار خوب والا چنین و چنان می کنم.

دوشنبه ۱۶ صفرالمظفر ۱۳۳۰



گفتند ستار و باقرخان خیال رفتن (به) کربلا را دارند.

دوشنبه ۱۶ صفرالمظفر ۱۳۳۰



ارباب کیخسرو به کلی ور شکست شده و از قرار یک کرور مال مردم را خورده است.

سه شنبه ۱۷ صفرالمظفر ۱۳۳۰



امان الله میرزا که در قنصلگری انگلیس متحصن شده بود، روس‌ها او را از قنصلگری انگلیس خواسته بودند گویا می‌خواستند به دار بزنند او فهمیده با تپانچه خودش را بیچاره تلف کرده است.

پنجشنبه ۱۹ صفرالمظفر ۱۳۳۰



خراسان خیلی مغشوش است، مردم جمع شده‌اند در حرم و می‌گویند ما علیحضرت محمد علی شاه را می‌خواهیم.

یکشنبه ۲۹ صفرالمظفر ۱۳۳۰



«میوکنز» که نایب شوستر بود فرار کرده است، از شصت الی نود هزار تومان می‌گویند پول دولت را برداشته و فرار کرده است.

یکشنبه ۲۹ صفرالمظفر ۱۳۳۰



پریشب صدرالسلطنه را از خانه‌اش گرفته، گویا خیال داشته‌اند که به دارش بزنند

دوشنبه ۱۳ صفرالمظفر ۱۳۳۰



امیر مفخم می‌خواسته است وزیر داخله را چوب بزند.

دوشنبه ۱۳ صفرالمظفر ۱۳۳۰





صمصام السلطنه رئیس الوزراء و ناصرالملک با تلفن به حمایت وزیر  
داخله با امیر مفخم تندی کرده بودند، او هم جواب سخت بلکه فحش زیادی  
داده بوده است.

سه شنبه نهمه ربیع الاول ۱۳۳۰



رفتیم عمارت مرحوم سروردوله، اختر الدوله هم آنجا منزل دارد،  
مطرب خیر کرده بودند، طاهرزاده، غلامحسین خان درویش، حسین خان  
رئیس کمانچه زن، بودند، ساز می زدند.

چهارشنبه ۹ ربیع الاول ۱۳۳۰



اهل خراسان اعلیحضرت محمد علی شاه را در خراسان دعوت  
کرده اند که برود آن جا تاجگذاری بکند و تاجی را که شاه شهید پیشکش  
حضرت رضا (ع) کرده است بگذارند سر اعلیحضرت محمد علی شاه.

شنبه ۱۲ ربیع الاول ۱۳۳۰



شیخ خزعل به عربستان نایب الحکومه فرستاده است و حضرات  
بختیاری ها از این بابت اوقاتشان تلخ است.

پنجشنبه ۲۴ ربیع الاول ۱۳۳۰



در خراسان اهل شهر تمام در حرم هستند و می گویند اعلیحضرت  
محمد علی شاه را می خواهیم این عدلیه را نمی خواهیم، مالیات تریاک، نظمی  
و باندرول نمی خواهیم.

پنجشنبه ۲۴ ربیع الاول ۱۳۳۰



سوار شده رفتم در خانه، ناصرالملک قرمساق خودش را از تمام سلاطین عالم بالاتر می‌داند.

پنجشنبه نهمه ربیع الثانی ۱۳۳۰

□□□

قائم مقام از تبعه بایبه شده است، هیچ انکار هم ندارد، عکس عباس فندی هم آن جا بود.

جمعه ۲ ربیع الثانی ۱۳۳۰

□□□

دیشب نان‌گیر هیچ کس نیامد، گوشت هم کم است، مردم فحش می‌دهند.

یکشنبه ۴ ربیع الثانی ۱۳۳۰

□□□

روس‌ها در خراسان اعلان نوشته‌اند که اگر بیست و چهار ساعته از حرم و صحن بیرون نرفتید و اسلحه را از خودتان سلب نکردید، به قوه جبریه از شما سلب خواهیم کرد.

سه شنبه ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۳۰

□□□

باغ‌های دولتی تماماً خراب شده و درخت‌ها را بریده‌اند

پنجشنبه ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۳۰

□□□

بعد از بیست و چهار ساعت، روس‌ها توپ بسته گویا گنبد مطهر هم قدری خراب شده، در حرم را بسته‌اند و قزاق روس گذاشته‌اند، این کار هم از آقای ناصرالملک و قوام السلطنه و آقای وثوق الدوله شده است.

سه شنبه ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۳۰

□□□

غروب رفته سفارت روس از طرف حضرت اقدس، دیدن ژنرال «گابایوف» که رئیس قشون روس است.

یکشنبه ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۰



آقا سید کمال می گفت که صحن حضرت را غارت کرده اند و در مسجد گوهرشاد قزاق های روس منزل کرده اند، اعداد کشتار را بیش تر از صد و بیست نفر نمی گفت.



آقا سید علی آقا یزدی را دیروز گرفته بردند، معلوم نیست کجا؟

چهارشنبه ۶ ربیع الثانی ۱۳۳۰



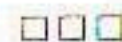
سردار محیی، میرزا کریم خان برادرش، سلیمان میرزا، میرزا سلیمان خان و پسر شیخ فضل اله مرحوم را گرفته، تمام را تبعید می کنند.

دوشنبه ۱۱ جمادی الاول ۱۳۳۰



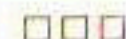
یک لرد انگلیسی که از طرف عربستان به ایران آمده است دو سه روز دیگر وارد طهران می شود.

شنبه ۱۶ جمادی الاول ۱۳۳۰



رفته منزل امین السلطان اسباب هائی که مرحوم اتابک از ژاپن خریده بود و به قدر دویست هزار پارچه است و بعضی از گلدان ها و اسباب های نفیس که سلاطین اروپا داده اند، می فروشند.

سه شنبه ۱۹ جمادی الاول ۱۳۳۰



اردوی فرمانفرما به کلی نابود شده است.

چهارشنبه ۲۰ جمادی الاول ۱۳۳۰

□□□

معمد الخاقان که خداوند در پر رونی و بی حیائی در ذات ناپاک او قدرت نمائی کرده است، اصراری دارد که فروغ الدوله را بگیرد.

پنجشنبه ۲۸ جمادی الاول ۱۳۳۰

□□□

امروز شهرت دارد که «پیرم» به درک واصل گردیده است.

سه شنبه ۳ جمادی الاخر ۱۳۳۰

□□□

تشییع جنازه «پیرم»

پنجشنبه ۵ جمادی الاخر ۱۳۳۰

□□□

یک شمشیر تمام مرصع برده بودند برای امیرمفخم و دیشب واردش کردند.

پنجشنبه ۵ جمادی الاخر ۱۳۳۰

□□□

آن دهی که در آن جا پیرم را کشته‌اند، تمام اهل آن ده را از زن و مرد و

بچه و پیر کشته‌اند.

جمعه ۶ جمادی الاخر ۱۳۳۰

□□□

کابینه وزراء معین شده، صمصام السلطنه رئیس الوزراء...

سه شنبه ۱۷ جمادی الاخر ۱۳۳۰

□□□